



پروژه خط لوله انتقال گاز طبیعی نورد استریم از همان ابتدای مخالفت شدید ایالات متحده و اوکراین روبرو شد؛ زیرا آنها از ناکامی طرح گسترش ناتو به شرق نگران بودند

نگاهی به نقش تحولات انرژی جهان در ناکامی طرح گسترش ناتو به شرق

چگونه محور مقاومت نقشه ژئوپلتیک جهان را تغییر داد؟

تصمیم جنگ اوکراین سال‌ها پیش گرفته شده بود،حتی پیش از جنگ سوریه؛ این جمله شاید در نگاه اول عجیب به نظر برسد، اما با بررسی برخی قرائن می‌توان به این نکته پی برد. اگر به دلایل جنگ سوریه نگاه کنیم، متوجه دو نکته مهم خواهیم شد؛ نکته اول که بسیار برجسته شد، نزدیکی دمشق به تهران و قرار گرفتن در محور مقاومت و کمک به گروه‌های مقاومت در فلسطین و لبنان بود که به نظر دلیل چندان منطقی نمی‌توانست به حساب آید، اما دلیل بعدی که اصلی‌ترین و مهم‌ترین دلیل بود، مسأله عبور خط لوله گاز قطر از سوریه، رسیدن آن به ترکیه و سپس اروپا بود. این خط لوله قرار بود با سرمایه‌گذاری شرکت توتال فرانسه در میدان گازی پارس جنوبی در قالب ساخت چند پالایشگاه گاز سی‌ان‌جی، گاز

قطر را از خاک عربستان به اردن، از آنجا به سوریه منتقل کند. این مسأله را آنهایی که تحولات سوریه را از نزدیک بررسی کرده‌اند بخوبی می‌دانند عبور این خط لوله گاز از خاک سوریه چقدر مهم بود. رابرت اف کندی در نشریه پولیتیکو که در اسفندماه ۱۳۹۴ منتشر شده است می‌نویسد: «جنگ ما علیه بشار اسد از اعتراضات صلح‌آمیز مردمی موسوم به بهار عربی در سال ۲۰۱۱ آغاز نشد بلکه از سال ۲۰۰۰ و هنگامی که قطر پیشنهاد احداث خط لوله ۱۰ میلیارد دلاری به طول هزار و ۵۰۰ کیلومتر را از طریق عربستان سعودی، اردن، سوریه و ترکیه مطرح کرد آغاز شد. میدان گازی پارس جنوبی (گنبد شمالی)، غنی‌ترین میدان گازی طبیعی در جهان بین ایران و قطر مشترک است.»

در سال ۲۰۰۰ میلادی، قطر به نیابت

از امریکا این پیشنهاد را به سوری‌ها داد، اما در سال ۲۰۰۹ بشار اسد رئیس جمهور سوریه به قطری‌ها گفت که نمی‌تواند متحدان خود را که دارندگان بزرگ گاز هستند، رها کند و به این طرح بپیوندد! کمتر از دو سال پس از این پاسخ، جنگ علیه دولت مرکزی سوریه شروع شد و قرار هم بود با سرنگونی بشار اسد، دولت وابسته به غرب، سعودی، ترکیه و صهیونیست‌ها در دمشق بر سر کار آید و این پروژه هم اجرایی شود. آن روزها امریکا و اروپا به شدت به این خط لوله امید بسته بودند، چرا که در آن تاریخ، کشورهای اروپایی ۳۰ درصد گاز خود را از سوریه تأمین می‌کردند و می‌خواستند هر چه سریع‌تر از زیر سلطه روس‌ها خارج شوند، اما در حالی که غربی‌ها منتظر بودند که آیا می‌شود به گاز قطر دست پیدا کرد یا خیر، جنگ را در سوریه شروع

”

کشورهای اروپایی که سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ با برگزاری مجمع مینسک و بازی دادن روس‌ها امیدوار بودند که همزمان با تقویت بنیه نظامی اوکراین بتوانند منابع جایگزین انرژی را پیدا کنند هیچ توفیقی در این زمینه پیدا نکردند. پس از تصرف کریمه توسط روس‌ها، آنها یک سال بعد نیروهای خود را راهی سوریه کردند تا به شکلی مطمئن‌تر در کنار محور مقاومت در برابر طرح‌های توسعه طلبانه غرب که زیر لوای پرطمطراق حقوق بشر، دموکراسی و مبارزه با دیکتاتوری علیه سوریه شکل گرفته بود، دست به مبارزه بزنند

دولت وارثش سوریه و با ناامیدی غربی‌ها

از رسیدن به گاز قطر، آنها بنای ساخت خط لوله گاز نورد استریم ۱ را گذاشتند؛ ساخت خط لوله گاز نورد استریم ۱ در سال ۲۰۱۱، درست در سال شروع بحران و جنگ در سوریه شروع شد. هر چه زمان گذشت، میزان وابستگی گاز اروپا به روسیه بیشتر شد تا آنکه سال ۲۰۱۴ جنگ اول اوکراین شکل گرفت. در مورد این جنگ هم روشن است که داستان از چه قرار است و چرا روس‌ها وارد نبرد شدند؛ اشتراکات بین جامعه روسیه و شبه جزیره کریمه باعث

به وجود آمدن یک هویت مشترک میان دو جامعه شده بود. هویت مشترکی که هم در گسترش بحران و هم در موفقیت‌آمیز بودن الحاق نقش مهمی ایفا کرد، زیرا پس از شروع بحران بویژه پس از روی کار آمدن دولت جدید و اتخاذ سیاست‌های تبعیض‌آمیز و ضد روسی که باعث تشدید تنش‌ها و اقدامات خشونت‌آمیز ارتش اوکراین در مناطق شرقی این کشور شد، روس تباران اوکراین همسو با رهبران روسیه، دولت جدید اوکراین را نامشروع و برآمده از یک کودتا دانستند و از روسیه درخواست کمک کردند. روسیه نیز از این اتفاقات و درخواست، نهایت استفاده را برد و ابتدا شبه جزیره کریمه را تصرف و سپس در یک همه پرسی با رای بالای مردم آن، این منطقه را به روسیه ملحق کرد.

درباره جنگ اوکراین نیز از مدت‌ها قبل مقدمات جنگ به بهانه‌های مختلف چیده شده بود. از زمان فروپاشی شوروی کشورهای غربی و اکنون‌های قدرت و ثروت یهودی در این کشور نفوذ کرده و سلطه عجیبی بر اوکراین پیدا کردند.

انقلاب و کودتای رنگی در اوکراین باعث بروز اولین جنگ شد اما جریان گاز روسیه به اروپا قطع نشد. گاز ارزان روسیه باعث شکوفایی اقتصادی کشورهای اروپایی بویژه آلمان شد. اروپایی‌ها بسیار امیدوار بودند حالا که به گاز قطر نرسیده‌اند، می‌توانند روی گاز ایران سرمایه‌گذاری کرده و با منابع بی‌پایان گاز ایران خود را از روس‌ها جدا کنند. بنابراین چشم امیدشان به برجام بود و صحبت‌های بسیاری هم در این زمینه شد. اروپایی‌ها امیدوار بودند که از طریق ترکیه به گاز قابل اتکای ایران دسترسی پیدا کنند و حتی پیشنهاد کردند که قطری‌ها بخشی از گاز خود را با ایران سوآپ کنند (هر چند این مسأله بارها مطرح شد اما کسی توجهی به آن نکرد) اما در ماه مه سال ۲۰۱۸ ترامپ از برجام خارج شد و تمام آمال و آرزوهای اروپایی‌ها به یأس تبدیل شد. چند هفته پس از خروج ترامپ از برجام و ناامیدی کشورهای اروپایی، کلنگ ساخت خط لوله گاز نورد استریم ۲ زده شد. به این تاریخ‌ها بسیار باید دقت کرد؛ نورد استریم ۱ همزمان با شروع جنگ در سوریه و نورد استریم ۲ همزمان با تحریم گسترده و کم‌رشدن علیه ایران کلنگ خوردند.

کشورهای اروپایی که سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ با برگزاری مجمع مینسک و بازی دادن روس‌ها امیدوار بودند که همزمان با تقویت بنیه نظامی اوکراین بتوانند منابع جایگزین انرژی را پیدا کنند هیچ توفیقی در این زمینه پیدا نکردند. پس از تصرف کریمه توسط روس‌ها، آنها یک سال بعد نیروهای خود را راهی سوریه کردند تا به شکلی مطمئن‌تر در کنار محور مقاومت در

مکالمات بین رهبر ارشد حقوقی خود و وزارت دفاع انجام داده که بر اساس آن، وزارت دفاع امریکا تمایل شدیدی برای همکاری با توئیتر در قالب مذکور نشان داده است. جیم بیکر، معاون مشاور عمومی توئیتر گفته که به نظر می‌رسد پنتاگون، به‌طور بالقوه به دنبال پنهان کردن مسیرهای خود بوده است.

در سال ۲۰۱۹ قانونگذاران قانونی را تصویب کردند که اشاره‌ای به ماده‌ای از قانون مجوز دفاع ملی دارد؛ مبنی براین که به‌طور قانونی عملیات روانی مخفیانه ارتش را در تلاش برای مقابله با روسیه، چین وسایر دشمنان خارجی تأیید می‌کند. در سال ۲۰۰۸ فرماندهی عملیات ویژه ایالات متحده درخواستی را برای مرکز اطلاعاتی فرماندهی نفوذ مبتنی شدند که برای جلسات بسیار حساس استفاده می‌شود.

یوئل راث، رئیس بخش اعتماد و ایمنی توئیتر اعلام کرده که فیس‌بوک یک سری

برابر طرح‌های توسعه‌طلبانه غرب که زیر لوای پرطمطراق حقوق بشر، دموکراسی و مبارزه با دیکتاتوری علیه سوریه شکل گرفته بود، دست به مبارزه بزنند.

بیش از ۸۰ کشور جهان در مقابل ایران، روسیه، سوریه و حزب‌الله لبنان ایستاده بودند، اما در نهایت همه این ۸۰ کشور که برای نابودی سوریه بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار هزینه کردند شکست خوردند.

اروپایی‌ها نیز بر اثر حماقت خود و زیاده‌خواهی امریکا بازنده بزرگ جنگ در سوریه، تحریم ایران و جنگ علیه اوکراین شدند، هر چند حاضر به اعتراف در این زمینه نخواهند بود. تصمیم به جنگ علیه روسیه در اوکراین بیش از ۲۰ سال پیش گرفته شده بود، اما دستگاه محاسباتی غرب مانند همیشه اشتباه کرد و در همه موارد با وجود تحمیل هزینه‌های هنگفت بر ایران، سوریه و روسیه اما خودش هم بازنده‌ای تمام عیار از آب درآمد. این موضوع نشان می‌دهد که غربی‌ها تا چه اندازه برای آینده برنامه‌ریزی کرده و چگونه حساب و کتاب می‌کنند. حقیقت آن است که آنها روی چند مساله مهم هیچ حساسی نکرده بودند؛ نخست مقاومت تاریخی و مردانه ملت، دولت و ارتش سوریه، دوم قدرت و ریسک ایران برای مداخله در سوریه و سوم نیز حضور عملیاتی روس‌ها در سوریه. در مورد ایران نیز آنها در مخیله‌شان نمی‌گنجید که ایران همزمان با شدیدترین تحریم‌های تاریخ علیه یک کشور همزمان در چند جبهه با آنها وارد نبرد شده و پیروز از این میدان بیرون بیاید.

محور مقاومت با مقاومت تاریخی و خیره‌کننده خود در طول دو دهه گذشته از جنگ‌های چندگانه در یمن تا انتفاضه مسجد الاقصی، جنگ ۳۳ روزه، جنگ‌های متعدد علیه باریکه غزه، جنگ در سوریه و عراق و سپس یمن با محوریت ایرانی که سر تا پا تحریم شده بود، نقشه جهان را عوض کرد. از کنار این مسأله نباید به سادگی عبور کرد؛ این موضوع بسیار مهم است و باید آن را از ابعاد مختلف غربی و رسانه‌های آن نمی‌خواهند اجازه دهند مخاطب مستقل و آزاد و رها فکر کند جامعه تصمیم بگیرد. جبهه مقاومت با نقش آفرینی ایران سال‌هاست که در حال نبرد نابرابر با غرب است اما همیشه پیروز این میدان بوده است.



ایجاد می‌کنند، همیشه به‌گونه‌ای ساخته می‌شدند که اهداف پنتاگون را به دقت منعکس می‌کردند.

مجامعه نظامی و اطلاعاتی ایالات متحده مدت‌هاست که استراتژی شخصیت‌های آنلاین جعلی و اشخاص ثالث را برای تقویت برخی روایات در کشورهای خارجی دنبال می‌کند. ایده این است که یک پورتال خبری فارسی‌زبان با ظاهری معتبر یا یک زن محلی افغان نفوذ طبیعی بیشتری نسبت به یک بیانیه مطبوعاتی رسمی پنتاگون خواهد داشت. بر اساس دستورالعمل‌های نظامی، تلاش‌های تبلیغات آنلاین نظامی و فعالیت‌های اینترنتی وزارت دفاع باید علناً دخالت ایالات متحده را تأیید کند، مگر در مواردی که فرمانده رزمنده معتقد است که به‌دلیل ملاحظات عملیاتی امکان‌پذیر نخواهد بود. این روش، تنها برای عملیات در «جنگ جهانی علیه تروریسم» یا زمانی که در سایر دستورات وزیر دفاع مشخص شده باشد، مجاز است.

رسانه اجتماعی توئیتر چگونه محتوای جعلی تولید می‌کند؟

افشاگران علیه توئیتر

با وجود اینکه توئیتر ادعا می‌کند مداخله‌ای در محتوای خود نمی‌کند و فضای سالمی را بدون اعمال سیاست‌های خاص دنبال می‌کند، اما مدارک جدید و افشاشده نشان می‌دهد که آنها در پشت‌صحنه از شبکه حساب‌های رسانه‌های اجتماعی و شخصیت‌های آنلاین ارتش امریکا که فیک هستند، استفاده کرده و از آنها به عنوان ابزاری برای انحراف افکار عمومی استفاده می‌کند. توئیتر با محافظت ویژه از این حساب‌ها، آنها را به درخواست دولت امریکا در لیست سفید قرار داده است. پنتاگون از این لیست و شبکه تولید شده برای شکل‌دهی افکار عمومی در کشورهایی چون یمن، سوریه، عراق، کویت، روسیه، چین و… استفاده کرده و می‌کند.

حساب‌ها در ابتدا به‌طور آشکارا خود را وابسته به دولت ایالات متحده امریکا نشان دادند، اما پس از آن پنتاگون مدل تاکتیکی خود را تغییر داد و شروع به پنهان کردن وابستگی خود به برخی از این حساب‌ها کرد؛ حرکت به سمت نوعی دستکاری عمدی پلتفرم که اگرچه مدیران توئیتر از این حساب‌ها آگاه بودند، اما آنها را تعطیل نکردند، بلکه اجازه دادند سال‌ها فعال بمانند. هر گروه از این اکانت‌ها با زبان ملیت موردنظر (عربی، فارسی، روسی و…) خود را معرفی کرده که بر اساس آن، مخاطبانی از کشور خاص را هدف قرار می‌دادند.

طبق مدارک یافت شده، در سال ۲۰۱۷، ناتانئیل کالر، یک مقام رسمی که با فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) کار می‌کرد، از توئیتر درخواست کرد تا فهرستی از حساب‌های عرب‌زبان لیست سفید را برای تقویت پیام‌های خاص در اختیار آنها بگذارد.

کالر در درخواست خود یک صفحه

گسترده با ۵۲ حساب را منظور کرد. او برای ۶ حساب کاربری از جمله یک حساب کاربری که برای پخش اطلاعیه‌ها درباره حملات هواییمای بدون سرنشین امریکا در یمن استفاده می‌شود، درخواست خدمات ویژه کرد. این حساب کاربری که در حال حاضر حذف شده، تأکید کرده بود که حملات هواییمای بدون سرنشین ایالات متحده قبیق بوده و تروریست‌ها کشته‌شده‌اند نه غیرنظامیان، و حمله توئیتر با محافظت ویژه از این سورشیشان حونی در آن کشور را ترویج می‌کرد.

سایر حساب‌های موجود در این فهرست بر تبلیغ شبه‌نظامیان مورد حمایت امریکا در سوریه و پیام‌های ضد ایرانی در عراق متمرکز بود. اگرچه بسیاری از حساب‌ها روی یک موضوع متمرکز باقی ماندند، برخی دیگر از موضوعی به موضوع دیگر منتقل شدند. برای مثال، یکی از حساب‌های کاربری امسال از پیام‌رسانی در مورد حملات هواییمای بدون سرنشین در یمن در سال ۲۰۱۷ به ارتباطات متمرکز بر دولت سوریه تغییر محتوا داد.

گزارش‌های داخلی نشان می‌دهند در همان روزی که سنتکام درخواست خود را ارسال کرد، اعضای تیم توئیتر به یک شرکت داخلی که برای مدیریت دسترسی کاربران مختلف استفاده می‌شود، رفتند و یک برجسب معافیت ویژه برای حساب‌هایی که در لیست سفید هستند، اعمال کردند. یکی از مهندسان توئیتر گفت که قبلاً هرگز این نوع برجسب را ندیده بود، اما پس از بررسی دقیق گفت که اثر برجسب برای لیست سفید اساساً امتیازات توئیتر را بدون چک آبی به حساب می‌آورد.

این حساب‌ها همگی حساب‌هایی به زبان‌های مختلف منتسب به ایالات

^[1] با وجود اینکه توئیتر ادعا می‌کند

^[2] با وجود اینکه توئیتر ادعا می‌کند

^[3] با وجود اینکه توئیتر ادعا می‌کند